



هیئت معارف جنگ  
نهاده نهجهد افلی نهاد شیرازی

# عبور از سیروان

علی عبدی بسطامی

سرشناسه	: عبدی بسطامی، علی، ۱۳۳۱ -
عنوان و نام پدیدآور	: عبور از سیروان/ علی عبدی بسطامی؛ [ برای ] هیئت معارف جنگ " شهید سپهبد علی صیادشیرازی "
مشخصات نشر	: تهران: ایران سبز، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری	: ۴۸۰ص. : مصور.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۷۶۰۷-۹۲-۶
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: چاپ قبلی : صریر ، ۱۳۸۵.
یادداشت	: کتانبامه : ص. ۴۷۱ - ۴۷۳.
یادداشت	: نامه.
موضوع	: عبدی بسطامی، علی، ۱۳۳۱ - -- خاطرات
موضوع	: سرداران -- ایران -- خاطرات
موضوع	: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷ -- خاطرات
موضوع	: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷ -- کردستان
موضوع	: ضد انقلاب و ضد انقلابیون -- ایران -- کردستان -- خاطرات
شناسه افزوده	: ایران. ارتش. هیئت معارف جنگ شهید سپهبد علی صیاد شیرازی
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۱ ۲۳۳۳ع/۱۶۲۹ DSR
رده بندی دیویی	: ۹۵۵/۰۸۴۳۰۹۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۸۲۵۳۹۷

نویسنده: سرتیپ ۲ ستاد علی عبدی بسطامی

نوبت/سال چاپ: اول/۱۳۹۱

ناشر: انتشارات ایران سبز

شمارگان: ۲۰۰۰

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۶۰۷-۹۲-۶

مرکز پخش: تهران - صندوق پستی ۱۷۱-۱۹۵۶۵ تلفن: ۲۲۴۸۸۷۵۶ نمابر: ۲۲۴۸۸۶۵۰

قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

حق چاپ برای هیئت معارف جنگ «شهید سپهبد علی صیاد شیرازی» محفوظ است

از همه نگارندگان حوادث جنگ و همه کسانی که توان  
انجام وظیفه در این مهم را دارند، درخواست می‌کنم از ثبت  
و ضبط جزئیات این دوران غفلت نکنند و این گنجینه تمام  
نشدنی را برای آیندگان به ودیعه بگذارند.

امام خمینی(ره)

می‌خواهم بگویم که این جنگ، یک گنج است. آیا  
خواهیم توانست از این گنج استفاده کنیم؟ آن هشت  
سال جنگ بایستی تاریخ ما را تغذیه بکند.

مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای

## معارف جنگ

«معارف جنگ» مجموعه‌ای از یافته‌ها، ذخایر و دست آوردهای جبهه‌های نبرد حق علیه باطل است که خداوند متعال به پاس فداکاری‌ها، ایثارگری‌ها و برکت خون شهدای والامقام، نصیب رزمندگان اسلام نموده و از سینه‌های جوشان آنها به سینه‌های پاک و تشنه نسل جوان انقلاب اسلامی منتقل می‌گردد.

سازمان افتخاری « هیئت معارف جنگ » از پاییز سال ۱۳۷۳، با تصویب حضرت امام خامنه ای و بنیانگذاری امیر سرافراز ارتش اسلام «شهید سپهبد علی صیاد شیرازی» و حمایت‌های مادی و معنوی مقام معظم رهبری و فرماندهی کل قوا، این رسالت مهم را با روحیه متعالی بسیجی برعهده گرفته و مفتخر است که با الهام از کلام نورانی خداوند متعال مبنی بر «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ»، با صداقت و تلاش دسته جمعی در این وادی مقدس گام نهاده و این رسالت افتخار آمیز را که با گرایش «پژوهشی - فرهنگی - عملیاتی و آموزشی» شکل گرفته است ادامه دهد و در این راه امید به لطف و یاری خداوند متعال دارد.

شیوه کار هیئت معارف جنگ در گردآوری تجارب جبهه‌های نبرد بدین ترتیب بوده است که براساس زمان و مکان هر عملیات، جمعی از رزمندگان اسلام که در آن عملیات نقش مهمی را برعهده داشته‌اند به منطقه عملیات عزیمت نموده و با یادآوری خاطرات خود در صحنه نبرد و برداشتهای تحریری، صوتی و تصویری، مجموعه‌ای از حقایق و واقعیت‌های تلخ و شیرین را گردآوری نموده و در نهایت بعد از تطبیق آنها با مدارک و اسناد جبهه‌های نبرد در مسیر تدوین قرار داده اند.

آموزش معارف جنگ نیز از سال ۱۳۷۴ به صورت نظری و میدانی برای هر دوره از دانشجویان سال ۳ دانشگاه افسری امام علی (ع) نیروی زمینی و از سال ۱۳۸۲ برای کلیه دانشگاههای افسری ارتش جمهوری اسلامی ایران به اجرا در آمده و تا زمان نگارش این کتاب بیش از ۱۹۳۰۰ نفر از فارغ‌التحصیلان دانشگاه های مزبور را در دو مرحله نظری و میدانی مورد آموزش قرار داده است.

هیئت معارف جنگ همچنین از سال ۱۳۸۸ آموزش کارکنان وظیفه در مقاطع تحصیلی فوق دیپلم، لیسانس، فوق لیسانس و دکترا در مراکز آموزش وظیفه را پی ریزی نمود و این عزیزان در زمان آموزش مقدماتی و قبل از عزیمت به یگان های سازمانی خود به مدت ۱۶ ساعت آموزش معارف جنگ را در ساعات فوق برنامه طی نموده که تا زمان چاپ این کتاب بیش از ۱۰۰ هزار نفر از کارکنان وظیفه که فارغ التحصیل دانشگاهها و مراکز آموزش عالی کشور می باشند، آموزش نظری معارف جنگ را فرا گرفته اند.

هیأت معارف جنگ « شهید سپهبد علی صیاد شیرازی »



### معرفی نویسنده: سر تیپ ۲ ستاد علی عبادی بسطامی

در سال ۱۳۳۱ در شهرستان الشتر استان لرستان متولد شد. پنج سال اول دوران ابتدایی را در همان شهرستان تحصیل نمود. از سال ششم ابتدایی تا پایان دوره متوسطه را در شهرستان خرم‌آباد گذراند و موفق به اخذ دیپلم در رشته طبیعی (علوم تجربی) گردید.

در سال ۱۳۵۰ وارد دانشکده افسری شد و در سال ۱۳۵۳ با درجه ستواندومی فارغ‌التحصیل و جهت طی دوره مقدماتی پیاده به مرکز پیاده شیراز اعزام گردید. پس از گذراندن دوره مقدماتی ابتدا در سمت فرمانده دسته ادوات و یک سال بعد در سمت فرمانده گروهان پیاده در گردان ۱۳۹ تیب مستقل ۸۴ پیاده مشغول خدمت شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و با شروع نا آرامی‌ها در شمالغرب کشور و به دنبال آن تهاجم سراسری ارتش عراق به میهن اسلامی‌مان، ابتدا در سمت فرمانده گروهان و سپس به عنوان افسر عملیات، معاون و سرپرست و فرمانده گردان پیاده در دوران دفاع مقدس در مناطق عملیاتی غرب و جنوب حضور داشته است. پس از طی دوره عالی پیاده، در سال ۱۳۶۷ به عنوان فرمانده گردان دانشجویان دانشگاه افسری امام علی (ع)، و فرمانده گردان در مرآه ۰۷ و لشکر ۸۴ پیاده انجام وظیفه نمود. پس از طی دوره دافوس در سال ۱۳۷۱ ابتدا با عنوان معاون تیب در لشکر ۸۴ و از سال ۱۳۷۳ به عنوان فرمانده تیب در لشکرهای ۶۴، ۵۸ و ۳۰ فعالیت نموده است. پس از بازنشستگی در سال ۱۳۸۰، همکاری افتخاری را با هیئت معارف جنگ شهید سپهبد علی صیاد شیرازی را داشته و تا کنون پنج عنوان کتاب خاطرات از دوران دفاع مقدس را تهیه و تدوین نموده است. همچنین به عنوان مدرس مدعو در دانشگاه افسری امام علی (ع)، دانشکده فارابی، دانشکده عقیدتی سیاسی آجا و مرکز آموزش‌های پشتیبانی نزاها همکاری دارد.



## فهرست مطالب

۱۱	مقدمه
	بخش اول: مأموریت پاوه در سال ۵۸
۲۱	(۱) اوضاع پاوه
۳۵	نقش هوانیروز در عملیات پاوه:
۳۸	(۲) مأموریت گردان‌های تیپ ۸۴ در پاوه
۴۱	(۳) مرحله اول مأموریت گردان ۱۳۹ در پاوه
۴۲	آماده شدن برای مأموریت
۴۳	ستون‌کشی به کرمانشاه
۴۵	در پادگان صالح آباد
۴۸	ستون‌کشی به پاوه
۵۲	ضدانقلاب در مله پلنگانه
۵۵	کمین در قوری‌قلعه
۶۱	در راه قوری‌قلعه تا پاوه
۶۷	تعویض گردان ۱۱۱
۶۹	(۴) موقعیت جغرافیایی پاوه
۷۳	(۵) اوضاع امنیتی پاوه
۸۳	(۶) سه ماه زمستان در پاوه
۹۰	تکیه در ارایش پاوه
۹۲	دیدگاه بروجردی درباره ضدانقلاب
۹۲	درگیری با ضدانقلاب در نجار
۹۴	طرح پاکسازی نسمة و دره بیان
۹۵	پاکسازی قشلاق و قوری‌قلعه
۱۰۱	(۷) تعویض گردان از پاوه

بخش دوم: مرحله دوم مأموریت پاوه از اول تیر ماه تا ۳۱ شهریور ۵۹

- ۱۰۹ (۸) حرکت به کرمانشاه  
۱۱۳ (۹) ستون کشی به پاوه و تعویض گردان ۱۸۲  
۱۱۷ (۱۰) پایگاه تأمینی در محور پاوه-باینگان  
۱۲۱ وضعیت باینگان  
۱۲۳ اعزام گشتی به قلّه آتشکده  
۱۲۸ (۱۱) تصرف ارتفاع نوریاب  
۱۳۳ (۱۲) پاکسازی دشه و دره تین  
۱۴۵ (۱۳) حمله هوایی ارتش عراق به محور جوانرود

بخش سوم: عملیات در منطقه نوسود تا پایان سال ۱۳۶۰

- ۱۵۲ (۱۴) طرح ریزی عملیات و انجام اولین مرحله پاکسازی منطقه نوسود  
۱۵۸ (۱۵) مرحله دوم عملیات و حمایت قاطع ارتش  
بعث عراق از ضدانقلاب  
۱۶۶ (۱۶) عملیات نجات (پل دو آب)  
۱۷۹ (۱۷) آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران  
۱۸۵ (۱۸) طرح حمله به نوسود  
۱۸۸ عبور از سیروان و تصرف شیخان  
۱۹۵ نبرد خونین بر روی ارتفاع بیلته  
۱۹۶ هفت شبانه روز در شرایط دشوار  
۲۰۶ (۱۹) تک هماهنگ شده تیپ عراقی  
شهادت ستوان یکم محمد حسین بهاروند احمدی  
۲۲۳ (۲۰) ادامه مأموریت پدافندی  
۲۲۸ عجب مردم قدرشناس و با معرفتی بودند!  
۲۲۹ اجرای عملیات نفوذی به نوسود  
۲۳۱ آدم ربایی  
۲۳۲ (۲۱) تشکیل قرارگاه عملیاتی پاوه  
۲۳۴ (۲۲) طرح تصرف قلّه شمشلی و ارتفاعات بنیجه جر  
۲۴۱ حرکت به روستای نیروی  
۲۴۶



۲۵۲	اجرای عملیات
۲۶۵	استقرار در موضع دفاعی جدید
۲۷۸	(۲۳) سه ماه بر روی ارتفاع کماجر
۲۸۸	سیزده بدر خونین
۲۹۱	تک محدود عراق
۲۹۶	(۲۴) تصرف نودشه
۲۹۸	یک خیز به جلو
۳۰۳	(۲۵) صدور حکم امام (ره) خطاب به سرتیپ فلاحی
۳۰۵	(۲۶) حمله به ارتفاعات کاوه زهرا و مره سو
۳۰۹	حمله هوایی ارتش عراق
۳۱۲	شایعات سقوط جنگنده‌های عراقی
۳۱۷	(۲۷) تصرف قله شمشلی
۳۲۱	(۲۸) تصرف ملندو و کمرماموله
۳۲۵	(۲۹) آزادسازی شهر نوسود
۳۲۹	پیام تبریک رییس ستاد مشترک
۳۳۱	(۳۰) نتایج فتح قله شمشلی و سه راه ملندو
۳۳۵	(۳۱) استقرار در مرز
۳۳۹	(۳۲) گذری بر قلل اورامان تخت
۳۴۷	(۳۳) تشکیل یگان آموزشی
۳۵۱	(۳۴) وقوع حوادث و انتصابات جدید
۳۵۴	فعالیت در رکن سوم
۳۵۷	در تکاپوی اجرای عملیات
۳۶۱	بررسی منطقه عملیات توسط جانشین فرمانده لشکر ۲۸
۳۶۳	طرح ریزی عملیات
۳۶۸	نیروهای خودی
۳۶۸	نیروهای عراقی
۳۷۳	(۳۵) آخرین جلسه هماهنگی

۳۷۷	(۳۶) آغاز عملیات محمد رسول الله (ص)
۳۹۶	حمله دشمن به پارک موتوری
۳۹۷	نتایج عملیات محمد رسول الله (ص)
۳۹۹	تلفات و ضایعات نیروهای ایرانی
۴۰۰	بازجویی از اسرای عراقی
۴۰۶	(۳۷) اوضاع گردان بعد از عملیات
۴۱۳	(۳۸) تجزیه و تحلیل عملیات
۴۱۳	جلسه فرماندهان ارتش و سپاه پاوه
۴۱۸	نتیجه تجزیه و تحلیل عملیات در سطح گروه رزمی ۱۳۹
۴۲۱	اظهارات مسئولین:
۴۲۳	پنج گروه از دموکرات‌های منطقه و محل استقرار آنها
۴۲۷	(۳۹) برف سنگین
۴۳۲	(۴۰) دیدار مهمانان از خط مقدم
۴۳۹	(۴۱) زمزمه مأموریت جنوب
۴۴۰	تعویض از نوسود
۴۴۳	عکس‌ها
۴۵۹	منابع
۴۶۱	نمایه

## مقدمه

شهرستان پاوه با بخش‌های تابع جوانرود یک محدودهٔ جغرافیایی را تشکیل می‌دهد که از ایام گذشته به دلایل ذیل برقراری امنیت در آنجا مورد توجه بوده است.

۱- وجود محور مواصلاتی کرمانشاه - روانسر - پاوه - نوسود به استان سلیمانیهٔ عراق (شهرهای حلبچه، خرمال، سیدصادق، پنجوین و سلیمانیه) که از نظر نظامی، تبادل کالا و ارتباطات ساکنین مرز دارای اهمیت است.

۲- این منطقهٔ کوهستانی با داشتن دره‌های عمیق، پوشش جنگلی و صعب‌العبور بودن، همواره مکان مناسبی برای فعالیت و اختفای عوامل مخالف حکومت، چته‌ها<sup>۱</sup> و دیگر افراد شرور و یاغی بوده است.

۳ - ساکنین کرد و بومی این منطقه به علت مرآمده و ارتباطات نزدیک یا خویشاوندی با کردهای عراقی استان سلیمانیهٔ عراق مورد توجه دولت‌های ایران و عراق بوده‌اند و همواره تلاش شده است تا کشور مقابل مرزنشینان را علیه دولت متبوعه‌شان تحریک نکند یا برای کسب اطلاعات به خدمت

---

<sup>۱</sup> - چته: مناطق کرد نشین این کلمه را برای افراد یاغی و راهزن به کار می‌برند.

نگیرد. بعضی خانواده‌ها یا شخصیت‌های مرزنشین ایرانی شناسنامه عراقی هم داشته و در دو طرف مرز دارای زمین و مکان سکونت بوده‌اند.

۴ - ساکنین مناطق پاوه، نوسود و جوانرود گرچه از نظر سیاسی تابع استان کرمانشاه می‌باشند، اما از نظر فرهنگی (زبان، مذهب و آداب و سنن) پیوستگی بیشتری به کردها داشته و لذا همانند سایر مناطق کردنشین در طیف عملیات گروه‌های ضدانقلاب قرار گرفتند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی سران برخی طوایف منطقه از جمله «قلخانی‌ها» و «جافی‌ها» که منافع و موقعیت خود را در خطر می‌دیدند به تحریک مردم پرداخته و تلاش نمودند تا منطقه را به آشوب بکشند. سالار جاف نماینده سابق مردم آن دیار در مجلس شورای ملی به جوخه اعدام سپرده شده بود و برادرش سردار با همکاری طرفداران «پالیزبان» و افرادی مانند افراسیاب و اکبر روایی به فعالیت علیه نظام می‌پرداختند. بنابراین شاخه‌هایی از حزب دموکرات کردستان، کومله، رزگاری و عناصری از گروه‌های چپ‌گرا و تعدادی از فراریان رژیم گذشته که محیط را مساعد می‌دیدند، در منطقه مستقر شده و حامی و مشوقی برای افراد شرور و ماجراجو گردیدند. عناصر ضدانقلاب پس از اجرای یکسری عملیات دستگیری و ضرب و شتم مخالفین، غارت محموله‌های خواروبار و ایجاد ناامنی در شهرها و محورها، در تاریخ ۵۸/۵/۲۳ شهر پاوه را در محاصره گرفته و طی ۱۱ روز نبرد سنگین - که تا تسلط کامل بر کلیه مراکز حساس این شهر فاصله چندانی نداشتند - تعداد زیادی را کشته یا مجروح نمودند. شقاوت و بی‌رحمی مهاجمین به قدری بود که تعدادی از مجروحین بستری در بیمارستان، چند پرستار و پزشک را با وضع فجیعی به شهادت رسانیدند.

در این حادثه چند فروند بالگرد و یک فروند فانتوم F-۴ که برای

امدادرسانی به محاصره‌شدگان یا متفرق کردن مهاجمین وارد عمل شده بودند، ساقط شده و چند نفر از بهترین خلبانان نیروی هوایی و هوانیروز به شهادت رسیدند.

با همت شهید دکتر چمران و شهید سرلشکر فلاحی فرمانده وقت نیروی زمینی و دیگر رزمندگان از جان گذشته، از سقوط پناه و توسعه کشتار و فجایع جلوگیری شد و با ورود نیروهای نظامی به منطقه آرامش و امنیت در آن شهرستان برقرار گردید.

چندی بعد از اعزام گردان ۱۳۹ به ماموریت سفز گردان ۱۸۲ تیپ ۸۴ برای برقراری امنیت در منطقه پناه به آن شهرستان اعزام گردید و پس از یک ماموریت ۴۵ روزه توسط گردان ۱۱۱ این تیپ تعویض شد. در ادامه این ماموریت اواخر پاییز سال ۵۸ نوبت به گردان ۱۳۹ رسید.

ورود گردان ۱۳۹ به پناه در شرایطی بود که به دلیل حضور متناوب هیأت حسن نیت در کردستان و ادامه مذاکرات، به نیروهای مسلح ابلاغ شده بود تا از درگیری پرهیز نمایند. حتی دستور خروج پاسداران انقلاب اسلامی از مناطق کردنشین نیز صادر شده بود. بنابراین احزاب و گروه‌های ضدانقلاب دوباره بر محورهای منتهی به شهر پناه تسلط نسبی داشته، نوسود و باینگان و نودشه و دیگر روستاها و جاده‌های ارتباطی آنها از جمله جاده مرزی نوسود به طویله و حلبچه عراق را به طور کامل در سیطره خود گرفته بود.

گردان ۱۳۹ در جریان این ماموریت که تا شب عید سال ۱۳۵۹ به طول انجامید، برای جلوگیری از توسعه نفوذ ضدانقلاب و پاکسازی بعضی محورها اقداماتی به عمل آورد و محور حیاتی پناه - روانسر با همکاری پاسداران و ژاندارمری پناه از کنترل ضدانقلاب خارج گردید. این گردان که

توسط یگانگی از مرکز پیاده شیراز تعویض گردید، مجدداً در اوایل تابستان سال ۵۹ به جای گردان ۱۸۲ مأموریت حفظ امنیت در پاوه را بر عهده گرفت. این بار تا حدود زیادی عناصر ضد انقلاب از منطقه پاوه دور شده بودند. محور پاوه - روانسر با داشتن چند پایگاه ثابت مراقبتی از امنیت بیشتری برخوردار شده بود. مرکز بخش باینگان آزاد گردیده و با استقرار پایگاه‌هایی در سه راهی شمشیر - روستای مزیدی و شهرک باینگان امنیت نسبی در این محور برقرار بود، اما هنوز محور پاوه - نوسود و کلیه روستاهای بخش نوسود در حیطه قدرت نیروهای ضدانقلاب قرار داشت.

نیروهای ضد انقلاب با دریافت کمک‌هایی از دولت عراق در مقابل پیشروی نیروهای ما به شدت مقاومت می‌کردند. کمک‌های دولت بعثی عراق به ضد انقلاب به چند شکل صورت می‌گرفت. بخشی به صورت واگذاری اسلحه و مهمات و پول و پوشاک بود.

یک نمونه آن این است که در تاریخ ۵۸/۱۰/۲۶ سه دستگاه خودرو حامل مقدار قابل توجهی اسلحه ضد هوایی و کلاشینکف و مبلغ چهل هزار دینار عراقی با مقداری پتو از مرز پنجوین به بایوه وارد ایران شده و برای جلال حسینی برادر شیخ عزالدین حسینی ارسال می‌گردد. پناه دادن و تغذیه ضد انقلاب نوع دیگر حمایت بعثی‌ها از مخالفین جمهوری اسلامی بود. فراهم کردن پشتیبانی آتش زمینی و هوایی برای ضد انقلاب از دیگر حمایت‌های علنی عراق برای آنان بود. اولین تجاوز هوایی عراق به آسمان ایران در ناحیه اورامانات در تاریخ ۵۸/۳/۱۹ با دو فروند میگ ۲۳ بر فراز شهر پاوه آغاز و

در مرداد ماه سال ۱۳۵۹ با بمباران ستون اعزامی از پاوه به جوانرود که برای جلوگیری از غارت مهمات توسط قلخانی‌ها در حرکت بود، علنی شد و مجدداً تجاوز هوایی عراق با بمباران نیروهای در حال عبور از پل دوآب به سمت نیسانه در غرب سیروان صورت گرفت که از شدت بیشتری برخوردار بود و شهدا و مجروحینی را به دنبال داشت.

ارتش عراق که قبلاً با در اختیار قرار دادن خمپاره‌انداز ۸۲ میلیمتری و مهمات آن سبب شد تا ضد انقلاب بتواند از چند کیلومتری شهر پاوه بخصوص قرارگاه گردان را چندین بار زیر آتش قرار دهد، با ورود نیروها به حوالی «نجار» و «کومه‌دره»، این بار خود وارد میدان شده و با شلیک آتشباری همزمان چندین توپ ضد انقلاب را با آتش پشتیبانی نمود و بارها بنا به درخواست ضد انقلاب به آتشباری خود ادامه داد. (رزمندگان این نوع آتشباری را گلولهٔ خمسه خمسه می‌نامیدند.) تا اواخر مرداد ماه ۵۹ نیروی نظامی مستقر در پاوه مرکب از گردان ۱۳۹، سپاه و گروهان ژاندارمری پاوه، ناحیهٔ شرق سیروان را به طور کامل از لوٹ وجود عناصر ضد انقلاب پاکسازی نمود اما ناحیهٔ غرب رودخانه سیروان شامل بخش نوسود و اورامان همچنان تحت سیطرهٔ مخالفین بود و آنان دو بار عملیات عبور از رودخانهٔ سیروان را با حمایت آتش توپخانه و نیروی هوایی ارتش عراق ناکام ساخته و همچنان متکی به این مانع طبیعی و با کنترل معابر از پیشروی نیروها به سمت نوسود جلوگیری می‌کردند.

حضور مداوم و فعال نیروهای ضد انقلاب در بخش نوسود حایلی بین قوای خودی و دشمن شد به طوری که پس از تجاوز رسمی و علنی ارتش عراق به خاک ایران در ۵۹/۶/۳۱ این عناصر که نقش راهنما و ستون پنجم دشمن را ایفا می‌کردند، مانع تماس قوای ایرانی با ارتش عراق گردیدند. در

نتیجه اطلاعات ما از میزان پیشروی ارتش عراق در محور نوسود ناقص و ناکافی بود. به همین دلیل پس از عبور نیروها از سیروان و رسیدن به پاسگاه مخروبه شیخان در چند کیلومتری نوسود، هنوز نمی‌دانستیم که تانک و نفربر عراقی‌ها در نوسود و تپه شمالی آن موضع مخفی تهیه نموده‌اند. عبور نیروهای ایرانی از تنگه «دوآب» و سیروان در تاریخ ۵۹/۱۰/۲۴ گرچه با شهادت حدود ۴۰ نفر که بر روی ارتفاع «بیلته» هلی‌برن شده بودند توأم شد، اما ضد انقلاب را بر آن داشت تا در پناه آتش توپخانه و خمپاره‌انداز عراقی‌ها برای قطع معابر ارتباطی نیروهای ما با عقبه یگان و پیاوه و ایراد تلفات تمام توان خود را به کار گیرد؛ اما این بار کاری از پیش نبرد و تک‌هماهنگ شده یک تیپ عراقی به گروهان یکم پیاده و دو دسته از نیروهای بسیجی و ژاندارمری که در امتداد پاسگاه مخروبه ژاندارمری شیخان - وزلی در مقابل شهر نوسود گسترش یافته بود نیز با شکست مواجه شد.

بعد از این حمله سنگین، گردان ۱۳۹ که با در اختیار گرفتن چند دستگاه تانک از لشکر ۸۱ و تقویت آتشبار توپخانه ۱۰۵ میلی‌متری با چند عراده توپ ۱۵۵ میلی‌متری صحرائی و پدافند هوایی تشکیل گروه رزمی داده بود و همچنین با رسیدن نیروهای بسیجی تازه نفس برای سپاه و تقویت گروهان ژاندارمری، با آرایش نیروها در مقابل ارتش عراق منسجم‌تر شد. فرماندهان ارتش و سپاه برای پاکسازی روستاهای عمده منطقه از جمله «نروی» و «نودشه» و دستیابی به نقاط مرتفع و حساس منطقه نوسود عملیاتی را طرح‌ریزی و اجرا نمودند. در نتیجه با استقرار نیروها بر روی ارتفاعات «قلی» و «کماجر» و پاکسازی روستاهای بزرگ نودشه نقش عناصر ضد انقلاب به عنوان حایل از بین رفت و تماس مستقیم و نزدیک با قوای عراقی برقرار گردید. و نبرد بین طرفین به صورت تک‌محدود و تبادل آتش سنگین ادامه داشت. یگان‌هایی از